

رخداد

معاون پیشگیری از وقوع جرم قوهقضایه:

رویکرد کیفری، برخورد با معلول است

■ **فارس:** معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوهقضایه افزایش جرم در جامعه را موجب کاهش امنیت و آسایش اجتماعی، تحمیل هزینه سنگین بر دولت و مردم و جلوگیری از رشد و توسعه کشور و ضرورت پرداختن به آن و کاهش و پیشگیری از جرم را یک ضرورت اجتنابناپذیر دانست. محمدباقر ذوالقدر به آمار سازمان ملل درباره رشد پنج‌صدی جرم در جهان اشاره کرد و افزود: این رقم به مراتب از نرخ واقعی جرم کمتر است، بیش از رشد جمعیت دنیا و بسیاری از شاخص‌ها از جمله شاخص رشد اقتصادی دنیاست و این یک تهدید جدی برای جوامع بشری است و ی علت‌های رشد فراینده جرایم در جهان را رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، وجود اقتصاد جرم و غفلت دولت‌ها و ملت‌ها از درک و مواجهه با این پدیده دانست و گفت: «وجود جرم در جامعه اسلامی، به حیثیت بین‌المللی کشور ما که باید الگویی برای جهانیان باشد، صدمه می‌زند.» وی افزایش جرم در جامعه را موجب کاهش امنیت و آسایش اجتماعی، تحمیل هزینه سنگین بر دولت و مردم و جلوگیری از رشد و توسعه کشور و ضرورت پرداختن به آن و کاهش و پیشگیری از جرم را یک ضرورت اجتنابناپذیر دانست. ذوالقدر به رویکردهای مواجهه با جرم اشاره کرد و افزود: رویکرد کیفری مبتنی بر شناسایی مجرم و مجازات او که به خورد با معلول است، کافی نیست، وی تاکید کرد: رویکرد قوهقضایه در مواجهه با جرایم، به برخورد کیفری در حد ضرورت و اقدام پیشگیرانه در حد ممکن است. وی پیشگیری را امری فراقوایی و یک موضوع بین‌رشته‌ای دانست که همه دستگاه‌ها و نهادهای عمومی و احاد مردم باید در آن مشارکت کنند و حتی مستلزم تلاشی جهانی و بین‌المللی است.

راننده تاکسی ۱۲۰ میلیون تومان طلا را به صاحبش پس داد

■ **واحد مرکزی خبر:** راننده تاکسی امانتدار ۱۲۰ میلیون تومان طلا را به صاحبش بازگرداند. راننده تاکسی یزدی پس از جابه‌جایی یک مسافر، متوجه جا ماندن کیفی با محتویات طلا و پول نقد به ارزش ۱۲۰ میلیون تومان در اتومبیل خود شد. محمدعلی بهروان بلافاصله با پیدا کردن شماره تلفن صاحب اموال که در داخل کیف بود، محتویات داخل آن را بدون هیچ کم و کاستی به صاحبش تحویل داد. ایوبی مدیرعامل سازمان تاکسیرانی استان یزد گفت: این راننده تاکسی هدیه پنج میلیون ریالی صاحب اموال را نپذیرفت.

سارق در محل سرقت خوابش برد

■ **پلیس خبر:** سارقی که در پی سرقت از یک مغازه به علت جته کوچک خود وارد کتال کولر شده بود، از نودت بی‌خوابی، همان‌جا خوابش برد و صبح با ژور پلیس بیدارشد. سرهنگ «محمدعلی بختیاری» فرمانده انتظامی شهرستان اصفهان با اعلام این خبر گفت: در پی اعلام گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر اینکه فردی در کتال کولر یک مغازه خوابیده است، مأموران آنجا رفتند و مظنون ۳۳ساله را دستگیر کردند. این مقام انتظامی در ادامه افزود: در بررسی‌های به عمل آمده توسط مأموران مشخص شد این متهم از سارقان سابقه‌دار است و یکی از شگردها و شیوه‌های سرقت وی وارد شدن از طریق کتال کولر یا پنجره، به علت جته کوچک و لاغریش است. فرمانده انتظامی شهرستان اصفهان عنوان کرد: در تحقیقات اولیه پلیسی مشخص شد متهم به مواد مخدر اعتیاد شدید دارد و برای تأمین هزینه مواد اقامد به سرقت می‌کند و به تازگی نیز از زندان آزاد شده است. سرهنگ «بختیاری» در پایان خاطرنشان کرد: متهم به همراه برونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شد.

دستگیری باند بزرگ سارقان احشام

■ **شرق:** باند بزرگ سارقان احشام همراه با ۷۴ رأس دام توسط مأموران پلیس ملایوند دستگیر شدند. سرهنگ فتحی -فرمانده انتظامی شرق استان تهران- در تشریح این خبر گفت: با تملس مردم مبنی بر سرقت احشام در آبسرد شهرستان ملایوند در مبادی ورودی و خروجی شهر شترانلاش گسترده‌ای برای شناسایی و دستگیری سارقان به عمل آوردند. سرهنگ فتحی افزود: مأموران در ساعات پایانی شب‌شنبه با استفاده از منابع و مخبران و استقرار تیم‌های نامحسوس مسیر حرکت سه‌کامیون را در حومه شهر ردیابی و در بست ایست و بازرسی کامیون‌ها را ۷۴ رأس دام سرقتی متوقف کردند. وی در ادامه گفت: متهمان در تحقیقات مقدماتی اعتراف به سرقت دامها کردند و اظهار داشتند، اقرار است در قبال دریافت مبلغی از چهارسارق که ساکن شهریار هستند دام‌ها را تحویل آنها بدهند. این مقام انتظامی افزود: مأموران در ادامه ضمن دستگیری چهار نفر اعضای باند سارقان احشام، دو دستگاه خودرو و تعدادی ابزارآلات متهمان را کشف و توقیف کردند و متهمان با تشکیل پرونده مقدماتی تحویل مقامات قضایی شدند.

آتش در بازار بزرگ چرم

■ **شرق:** بازار بزرگ چرم تبریز صبح دیروز دچار آتش‌سوزی شد. طبق اعلام سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تبریز، وقوع حادثه در بازار بزرگ چرم تبریز در ساعت ۶:۲۶ صبح دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد. پس از حضور نیروهای آتش‌نشانی در محل حادثه، از سه جانب مشغول عملیات شدند و مانع از سرایت و گسترده‌گی بیش از حد آن به سایر واحدهای صنفی شدند. همچنین در جریان وقوع این حادثه پنج مغازه، اجناس واقع در راهروها و گنج‌کاری راهروها ر آتش سوخت و خسارت دید. کارشناسان سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی تبریز در حال بررسی علت وقوع این حریق هستند.

حکم اعدام مردی که متهم به تجاوز به کودکانی هشت‌ساله و قتل او و مادر بزرگش بود روز گذشته در ملاعام و در حضور جمعی از مردم ورامین اجرا شد. به گزارش خبرنگار ما، هرچند در رأی صادره در مورد اجرای این حکم در ملاعام بحثی به میان نیامده‌بود اما آن‌طور که دادستان ورامین اعلام کرد این متهم با دستور ویژه رییس قوهقضاییه در ملاعام بهدار آویخته شد. تماشای اعدام راهی قرچک شدند. پلاکاردهای نصب شده و داربست‌هایی که نیمه‌شب به دستور مسوولان اجرای حکم به آنجا منتقل شده بود، نشان می‌دهد قرار است اتفاقی نادر در این منطقه رخ دهد و مردی را اعدام کنند. اهالی منطقه همگی می‌دانند کسی که قرار است بهدار آویخته شود همان جوانی است که دو سال پیش مادر بزرگ و نوای را در همسایگی‌شان به قتل رساند و به دختر بچه هشت‌ساله تجاوز کرد.

زمن‌مه‌ها گویای آن بود کسانی که برای دیدن مراسم اعدام آمده‌اند از جزییات این قتل باخبر هستند. زنی جوان که می‌گوید خودش دختری همسن نگین -دختر بچه کشته شده- دارد می‌گوید: وقتی نگین کشته شد همه اهالی از خود می‌پرسیدند، چرا ایین اتفاق افتاد و دختر ک قربانی کدام کینه شده است. پدر و مادرش با کسی دشمنی نداشتند و حتی با خانواده مصطفی (جوان اعدامی) خیلی هم دوست بودند. یادم می‌آید مراسم مردانه عروسی پدر و مادر نگین در خانه پدر مصطفی برگزار شد. آنها خیلی با هم صمیمی بودند. به هر حال من دلم خیلی برای مادر نگین سوخت و او هم دخترش را از دست داد هم مادر پیرش را. آنها خانواده آبروداری هستند.

هر چه زمان اجرای حکم نزدیک‌تر می‌شد، جمعیت بیشتری خودشان را به محل حادثه می‌رساندند. حدود ساعت شش، خودرو مخصوص حمل متهم هم به محل می‌رسد. پس از آن، مهمه‌م بین مردم بالا می‌گیرد و آنها با اضطراب و هیجان لحظات را پشت‌سر می‌گذارند. پدر و مادر نگین و اولیای دم مادر بزرگ این دختر هم به محل آمده‌اند. مادر نگین گریه می‌کند و می‌گوید: وقتی مصطفی بچه بود، خیلی دوستش داشتم. خیلی به او محبت می‌کردم.

مصطفی مریض شده بود و من با دستان خودم پمادهایش را می‌مالیدم و سعی می‌کردم کاری کنم تا زودتر خوب شود. ما با خانواده‌اش هم رابطه خوبی داشتیم. خانواده مصطفی هیچ‌وقت به من بدی نکردند. نمی‌دانم این پسر چرا این کار را کرد. آنقدر از او متنفرم که حتی نمی‌توانم یک لحظه در صورتش نگاه کنم. او باید تاوان کارش را بدهد. این زن به مردم می‌گوید: «ما مراسم ختم مادر و دخترتم را در خانه پدر مصطفی برگزار کردیم، آن موقع قاتل مشخص نشده بود، وقتی پلیس گفت عامل این قتل‌های فجیع مصطفی است اصلا باور نمی‌کردیم. او ادعا کرد برای سرقت وارد خانه شده است در حالی که مصطفی می‌دانست اگر از من پول بخواهد دریغ نمی‌کنم. خودم به او می‌دادم. او باید تاوان کاری را که با ما مردم و تنها دخترتم کرد داشت پس‌بدهد. من سال‌ها انتظار کشیدم تا خداوند به من بجهای داد و او را مثل دسته گل بزرگ کردم و مصطفی بچه و مادرم را از من گرفت و حالا باید اعدام شود. او فقط مرتکب قتل نشد دخترتم را هتک حرمت کرد بنابراین باید تاوان این کار را پس بدهد.»

رهایی مرد تاجر از چنگ دو گروگانگیر

نیز به عنوان شگردی دیگر در دستور کارشان قرار داده بودند، اما آدم‌ربایان هر بار از باجه تلفن‌های عمومی در نقاط مختلف شهر تماس می‌گرفتند و پیدا کردن محل اختفایشان از این طریق غیرممکن به نظر می‌رسید. بر شرایطی که خانواده حسام آموزش‌های لازم را برای رپوده مواجهه با متهمان و چگونگی مذاکره با آنان دیده بودند، نخستین سرنرخ‌ها دست آمد و کار اگاهان یک روز بعد از وقوع این حادثه، خانه متروک‌های را در یکی از روستاهای اطراف محمدشهر به عنوان محل اختفای متهمان شناسایی کردند و وقتی به آنجا رفتند، توسط مسئولین اخفشان را دستگیر و حسام را آزاد کنند. پس از آن به اعترافات حامد که چندین سابقه سرقت و زورگیری دارد، همدستش نیز به دام افتاد. با دستگیری دو متهم آنها اعتراف کردند بعد از شناسایی حسام و طراحی نقشه آدم‌ربایی به پنهان‌سازی و وی را با خود همراه کردند و به محل اختفایشان کارا اگاهان را برانگیخت. آنها در حالی جست‌وجوهایشان را برای یافتن این دو مظنون آغاز کردند که ردیابی‌های تلفنی را

شوخی مرگبار در رستوران

واقعا نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد. هیچ‌قصدی در قتل نداشتیم و در واقع قاسم سمت من آمد و چاقو وارد گلویش شد. او در توضیح آنچه اتفاق افتاده‌بود، گفت: قاسم مثل برادر من بود، آنقدر با هم خوب بودیم که هر وقت او کار داشت من به جایش در رستوران می‌ماندم و نوش می‌خورد. کارگاه حاضر شد و در توضیح می‌کرد. با اینکه می‌دانست چندان از شوخی خوشم نمی‌آید روز حادثه شوخی را شروع کرد. من عصبانی شدم و گفتم از این رفتارها خوشم نمی‌آید. باز شوخی‌هایش را ادامه داد، من هم عصبانی شدم و با هم دعوا کردیم. درگیری با دخالت بچه‌ها تمام شد. بعد از آن رفتم تا سالاد را آماده کنم. چاقو دستم بود، قاسم کشته و مرده آمد و به من حمله کرد و یک ضربه محکم به پام زد، خیلی دردم گرفت و دنبال رفتم همین‌طور که با هم درگیر بودیم و چاقو را بالا گرفته بودم قاسم سرش را جلو آورد و چاقو به او برخورد کرد. گلویش خونی شد و بچه‌ها و را به بیمارستان بردند. که متناگه فوت شد.

در ادامه این جلسه یکی از شاهدان پرونده که در محل حادثه حضور داشت در جایگاه حاضر شد و گفت: در مرحله



نگین

قاتل

حالا دیگر مصطفی می‌داند لحظات آخر عمرش فرا رسیده است. مأموران اجرای حکم او را از ماشین برون می‌کنند تا به جر تفتیل برسانند. آنجا طناب سفیدرنگ دار منتظر این مرد ۲۶ساله است. مصطفی بدون اینکه به جمعیت نگاه کند به سمت طناب می‌رود. چشمان زیادی نظاره‌گر مرگ او هستند و سکوت کرده‌اند اما صدای مادر نگین این سکوت را می‌شکند. زن فریاد می‌زند: دو سال و هفت ماه است که منتظر این لحظه هستم.

خبرنگاران به سمت مصطفی می‌روند او مثل اعدامیان دیگر نیست خیلی آرام راه می‌رود و به سوالات جواب می‌دهد. این مرد در پاسخ به یکی از خبرنگاران که از او پرسید چرا این کار را کردی می‌گوید: توبه کرده‌ام از خدا خواستم که من را ببخشد.

مصطفی این جمله را می‌گوید و به سمت طناب‌دار می‌رود، آرام روی سکو می‌ایستد و مجریان حکم طناب را به دور گردن مصطفی می‌اندازند. حالا نوبت قاضی اجرای حکم است، او می‌گوید: مجرم اعدامی براساس رأی شبهه ۷۷ دادگاه کیفری استان به دوبار قصاص، یکبار شلاق و

زندان و اعدام محکوم شده و شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور روز بیستم تیر امسال حکم وی را که به دلیل تجاوز و قتل دختر هشت ساله و قتل پیرزن ۸۰ ساله تأیید کرده است. همچنین براساس نامه تاریخ دوم آبان دادسرای جنایی تهران حکم باید در محل جنایت اجرا شود. پس از اتمام این توضیحات صدای زوزه جرقیل بلند و مصطفی به آرامی بالا کشیده می‌شود، حالا دیگر پاهایش روی زمین نیست و طناب دور گردنش اجازه نفس کشیدن را به این مرد نمی‌دهد ثانیه‌ها برای او به شماره می‌افتد و در نهایت بعد از گذشت چندین ثانیه عقربه‌های ساعت برای او روی ۶:۳۷ از حرکت می‌ایستد.

جسم بی‌جان مصطفی هنوز بر طناب دار آویزان است که دادستان ورامین که برای اجرای حکم در محل حاضر شده در جمع خبرنگاران حاضر می‌شود و می‌گوید: بخشعلی (معروف به مصطفی) دو سال قبل به بهانه‌ه باز کردن در خانه خودش وارد منزل قربانینا شد و در جانیاتی هولناک پیرزن و نوه هشت ساله‌اش را به قتل رساند و پس از سرقت طلاها از محل متواری شد. این جنایت تأثیر بدی در شهرستان گذاشته بود و ما علاوه بر درخواست رسیدگی در وقت ویژه در کیفر خواست خواستار اعدام متهم در ملاعام شدیم. پس از ارسال پرونده به دفتر رییس قوهقضاییه برای استینا، وی دستور داد حکم در ملاعام اجرا شود. روز سه‌شنبه نیز حکم شلاق متهم اجرا شد.

پدر نگین نیز که همچنان ایستاده و بر جنازه قاتل دختر هشت‌ساله و مادر زنش نگاه می‌کند، می‌گوید: مصطفی کاری کرد که حتی خانواده‌اش نتوانستند از او دفاع کنند. بعد از اینکه معلوم شد، عامل این جنایت مصطفی است خانواده‌اش از خجالت خانه‌شان را ترک کردند و به جای نامعلومی رفتند البته ما با آن خانواده دشمنی نداشتیم این مصطفی بود که ما را دادگار کرد و حالا هم از اعدام او خوشحال هستیم. نیم‌ساعت بعد مهر تأیید مرگ روی برگه پزشکی قانونی نقش می‌بندد و جسد با این تأیید از بالای طناب دار به پایین کشیده می‌شود و کاور سرمای رنگ جسد مصطفی را در خود جای می‌دهد تا پرونده برای همیشه بسته شود.

راننده مینی‌بوس دو زن را ربود

دور شد، «زورگیری با مینی‌بوس موضوع جدیدی بود که مأموران با آن مواجه شده بودند. آنها مشخصات خودرو متهم را گرفتند و با در اختیار داشتن چند رقم از شماره پلاک و همچنین رنگ وسیله نقلیه جست وجوهایشان را برای یافتن این مینی‌بوس آغاز کردند و سرانجام توانستند آن را پیدا و راننده‌اش را دستگیر کنند. این متهم که ابتدا سعی داشت خودش را بی‌گناه معرفی کند، وقتی از سوی شاکتبان شناسایی شد، در بازجویی‌های فنی به جرمش اقرار کرد و گفت: «من و دوستم به طور اتفاقی این دو زن را دیدیم و تصمیم گرفتیم از آنها سرقت کنیم. اصلا فکر نمی‌کردیم آنها تا این حد در برابرمان مقاومت کنند. تصور ما این بود که آنها می‌ترسند و پول و جواهرات‌شان را به راحتی در اختیارمان قرار می‌دهند.» راننده مینی‌بوس در ادامه همدستش را به پلیس معرفی کرد و مأموران موفق شدند وی را نیز به دام بیندازند. متهم دوم در بازجویی‌ها گفته‌های همدستش را تأیید کرد و به مرجع قضایی معرفی شد تا به اتهام او و مرد راننده رسیدگی شود.



نگین

قاتل

آخرین دفاعیات خود را بیان کرد و گفت: من قتل عمد را قبول ندارم و از اتفاقی که افتاده‌است، متأسفم و به خانواده قاسم تسلیت می‌گویم. قاسم مثل برادر من بود. بنا بر این گزارش، بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رأی دادگاه وارد شور شدند.

دوم درگیری ما به سمت قاسم رفتیم و به او گفتم تماش

کند و بیرون برود. من داشتم قاسم را هل می‌دادم که یکدفعه خون‌آلود شد. من ندیدم فرزاد او را زده باشد اما در آن لحظه فرزاد با او درگیر بود. بعد از پایان جلسه محاکمه و دفاعیات وکیل مدافع متهم یکبار دیگر فرزاد در جایگاه حاضر شد و او

نیروهای خدماتی را در حالت آماده‌باش قرار داده است.

جدایی ۱۲ ساله

فاکس نیوز: دو خانواده روسی به دلیل جابه‌جا شدن فرزندشان از یک بیمارستان شکایت کردند. دو نوزاد ۱۲ سال پیش به طور اتفاقی جابه‌جا شده بودند. ماجرا از جایی شروع شد که «یولیا» و «یوری بادوا» پدر و مادر «ایرینا» از هم جدا شدند و «یوری» پدر «ایرینا» با این ادعا که ایرینا شبیه او نیست حاضر به حمایت مالی از دخترش نشد. قاضی دادگاه وقتی با این ادعا روبه‌رو شد از آنان خواست آزمایش دی‌ان‌ای انجام دهند. پس از اعلام جواب آزمایش مشخص شد «ایرینا» متعلق به این خانواده نیست. «یولیا» مادر «ایرینا» گفت سال ۱۹۹۸ وضع حمل کرد و آن زمان با یک خانم باردار دیگر نیز هم‌اتاق بود. پلیس پس از

پنج قاره

انجام بررسی‌های بیشتر توانست دختر واقعی خانواده «بلاوا» را پیدا کند اما هیچ کدام از این دو دختر، حاضر به جاشدن از خانواده‌هایشان نیستند و تمایل دارند به کسانی که آن دو را بزرگ کردند، باقی عمر را بگذرانند.

سرقت ناقوس ۱۲۲ ساله

یونایتد پرس ناغوس یکی از کلیساهای «سان فرانسسکو»، با ۱۲۲ سال قدمت به سرقت رفت. این ناقوس قدیمی که حدود دو تن وزن داشت، یک ماه پیش به سرقت رفته است. به گفته پلیس، سارق یا سارقان احتمالی برای ربودن این ناقوس به یک جرقفیل و کامیون نیاز داشتند. این ناقوس از ۸۰ درصد مس و ۲۰ درصد قلع ساخته شده و ارزش آن حدود ۷هزار دلار است. مسوولان این کلیسا برای پیدا شدن این ناقوس مؤذگانی مشخص کرده‌اند.

نگاه

بخشش چگونه فراگیر می‌شود



سعید معیددفر*

■ در خبرها داشتیم مداری قاتلان فرزند خود را پای چوبه‌دار بخشید اما سوال اینجاست که چرا این بخشش‌ها فراگیر نمی‌شود و نادر و موردی است؟

بخشش جنبه فرهنگی دارد و جامعه‌ای که به سمت خشونت و تلافی گرایش دارد جای بخشش نخواهد بود؛ البته این موضوع دلایل مختلفی دارد.

ابتدا برای بخشش باید جنبه‌های قانونی فراهم و قانون‌گذار تمهیدات لازم را ایجاد کرده باشد. به همین دلیل لازم است کار جدی در این عرصه انجام شود. قانون‌گذار در سطح عام مبنای کنش‌ها در جامعه است و می‌توان گفت در جوامع دو نوع کنش براساس قوانین کشور شکل می‌گیرد که شامل قوانین و کنش‌های ترمیمی و قوانین و کنش‌های تنبیهی است. اگر در جامعه‌ای تنبیه زیاد باشد و قانون افراد را بلافاصله به مقابله به مثل تشویق و این حق را برای افراد ایجاد کند طبیعتا اشخاص به سمت انتقام و تلافی خواهند رفت. حال آنکه در جوامع توسعه‌یافته قوانین ترمیمی است و اگر کار خلاف انجام شود تا حد ممکن سعی می‌شود کنش ترمیمی صورت گیرد و زمینه‌هایی فراهم شود که فرد متخلف کارهای خود را جبران و ضرر و زبانی را که به جامعه و دیگران رسانده است ترمیم کند. بنابراین تحول در جوامعی که قوانین تنبیهی آنها کارآمد نیست ضروری به نظر می‌رسد.

بخش دیگر مربوط به دستگاه‌های کنترلی و انتظامی جامعه است. وقتی افراد احساس کنند کنش‌های قانونی توان احقاق حق آنها را ندارد رفتارهای فردگرایانه‌شود می‌گیرد و آنها به سمت رزوبایی و خشونت کشیده می‌شوند به عنوان مثال در تصادفی که در خیابان اتفاق می‌افتد افسرد به جای اینکه اجازه بدهند قانون و یک داور بیرونی موضوع آنها را حل کند، خود با مداخله و خشونت علیه یکدیگر دست به کار می‌شوند که گاهی منجر به جرح و حتی قتل می‌شود.

بنابراین گام اول در راستای خشونت‌زدایی از جامعه و ترویج رفتارهای انسانی مانند گذشت، تغییر در زیرساخت‌های قانونی کشور است. گام بعد از می‌توان تعلیم و تربیت در خانواده و مدرسه دانست و این ترتیب می‌توان رفتارهای انسانی را ترویج کرد و در روابط افراد اصل را بر گذشت قرار داد.

در جامعه اولین مبنای فرهنگی برای رسیدن به چنین هدفی، تغییر رفتارها از سوی دست‌اندرکاران است. اگر دیده شود در جامعه‌ای فرهنگ خشونت وجود دارد قطعا در وهله اول کسانی که قدرت را در اختیار دارند باید رفتارهای خود را مورد بازنگری قرار دهند و به‌طور فردی نمی‌توان در جامعه مبنای را بر بخشش و گذشت قرار داد. البته همه ما از سوی اسلام به گذشت توصیه شده‌ایم و در همان‌جا که اسلام بحث قصاص را مطرح می‌کند از گذشت و فداکاری نیز صحبت می‌شود و افراد را تا حد ممکن به گذشت دعوت می‌کند.

علاوه بر موارد ذکرشده می‌توانیم با تأکید روی نقش رسانه‌ها فرهنگ گذشت را در جامعه ترویج کنیم اما باز هم در وهله نخست این مسوولان جامعه هستند که باید زیرساخت‌ها را تغییر بدهند.

نکته بعدی در این خصوص وجود رفتارهای متناقض در بین شهروندان است، در این رابطه باید متذکر شد جوامع یکدست نیستند و تنوع افراد و سلیقه‌ها و انگیزه‌ها در همه جوامع وجود دارد اما زیرساخت‌ها افراد را هدایت می‌کنند. به عنوان نمونه در همه جوامع جوانان به سمت ماجراجویی تمایل دارند. همان‌طور که در جنگ‌ها نیز شاهد هستیم جوانان بیش از دیگران شرکت دارند اما در برخی کشورها با فراهم بودن امکان بروز ماجراجویی در مکان‌های مختلف مانند رقابت‌های ورزشی یا حتی بازاریابی صحنه‌های این حس ارضا می‌شود اما در کشور ما مدیران زمینه‌های بروز ماجراجویی را با برگزاری اعدام‌ها در ملاعام فراهم کرده‌اند که این درست به نظر نمی‌رسد. از طرفی امکانات تفریحی که اکشن‌های ساختگی در آن وجود داشته باشد در کشور ما وجود ندارد و افراد به سوی صحنه‌های اکشن واقعی سوق پیدا می‌کنند. با این حال در همین جامعه دیده می‌شود افرادی مشا گذشت و بخشش هستند مانند تاکسیرانی که مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان طلا را به صاحبش بازگرداند اما تا زمانی که جنبه‌های ترمیمی وجود نداشته باشد جامعه نمی‌تواند این رفتارها را مدیریت کند و گسترش دهد. در جامعه ما خرده‌فرهنگ‌ها و تنوع طبقاتی و قومی وجود دارد بنابراین رفتارهای متفاوتی دیده می‌شود. در این بین افرادی مانند کتا با گذشت از حقوق خود برخلاف جریان جاری جامعه حرکت می‌کنند، قطعا کار سختی را پیش‌رو دارند و تا زمانی که بسترها و زمینه‌های قانونی در کشور وجود نداشته باشد این رفتارها فراگیر و عمومی نمی‌شود. در واقع بسیار کم دیده می‌شود که در شرایط نامناسب یک فرد رفتار مناسب و درست انجام دهد. برای همه‌گیر شدن چنین رفتارهایی باید شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تغییر کند. برای مثال وقتی برای جوانان برنامه‌ای وجود ندارد و آنها در اوقات فراغت در خیابان‌ها سرگردان هستند و آینده شغلی بیش روی خود نمی‌بینند هر لحظه بسترهای نامناسب برای آنها فراهم است و ممکن است در تون زن داشت، یک ماه پیش به سرقت رفته است. به گفته پلیس، سارق یا سارقان احتمالی برای ربودن این ناقوس به یک جرقفیل و کامیون نیاز داشتند. این ناقوس از ۸۰ درصد مس و ۲۰ درصد قلع ساخته شده و ارزش آن حدود ۷هزار دلار است. مسوولان این کلیسا برای پیدا شدن این ناقوس مؤذگانی مشخص کرده‌اند.